

حسابداری و حسابرسی

با نگاهی به قانون استفاده از خدمات تخصصی حسابداران رسمی

گفتگو با دکتر عبدالرضا تالانه

آشاره

یک بنگاه اقتصادی را در نظر بگیرید، در این بنگاه هم صاحبان سرمایه و هم اعتباردهندگان و دولت و دیگر مراجع مرتبط و ذینفع، برای هر نوع تصمیم‌گیری آگاهانه در زمینه خرید، فروش، نگهداری سهام، اعطای وام و تسهیلات و ارزیابی عملکرد مدیران، نیازمند اطلاعات مالی معتبر، مربوط و قابل فهم می‌باشند. بنابراین، اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه را می‌توان عامل اصلی در پاسخگویی مدیران و عنصر اصلی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دانست. بدیهی است که اگر اینگونه اطلاعات در دسترس نباشند، منابع اقتصادی تلف خواهند شد و اقتصاد بنگاه‌ها و کشور آسیب خواهد دید.

در حال حاضر، صورت‌های مالی هسته اصلی منابع اطلاعات مالی بشمار می‌روند و مسوولیت آن نیز به عهده حسابداران است. حسابدارانی که با استفاده از استانداردهای حسابداری می‌توانند صورت‌های مالی را از کیفیت مطلوب برخوردار سازند.

از سوی دیگر، وضع مقررات تازه درباره استفاده از خدمات تخصصی حسابداران رسمی و مکلف کردن کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی به استفاده از خدمات حسابرسی حسابداران رسمی از یک طرف، و رونق نسبی بازار بورس و ایجاد موج تقاضا برای معاملات سهام و لزوم دستیابی به اطلاعات مالی شرکت‌های حاضر در بورس از طرف دیگر، پرسش‌هایی را برانگیخته‌اند که طرح آنها در یک گفتگوی اختصاصی را ضروری ساخته است. گفتگو با دکتر عبدالرضا تالانه، عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها برای پاسخگویی به آن پرسش‌ها است.

بانک و اقتصاد

❑ / تعریف حسابداری چیست؟

❑ برای آرایه تعریف از حسابداری، باید به محیط آن نگاه کرد. محیطی که حسابداری در آن عمل می‌کند، در حال تغییر است و بنابراین، حسابداری با توجه به بستر زمان و مکان تعریف می‌شود. اگر روند حسابداری را از قدیم تا به امروز بررسی کنیم، می‌بینیم که در هر دوره و مکان حسابداری یک کارکردی داشته و بنا به کارکردش، تعریفی هم از آن ارائه کرده‌اند. اما تعاریف رسمی که از حسابداری ارائه شده، بیشتر به ۱۰۰ سال گذشته بازمی‌گردد. اولین تعریف رسمی، حسابداری را فرایند ثبت و اندازه‌گیری و تلخیص و فعالیت‌ها و رویدادهای مالی واحدهای اقتصادی معرفی می‌کند. تعریفی جدیدتر، حسابداری را سیستم اطلاعاتی می‌داند و در حال حاضر که بازارهای سهام و بازارهای بورس وسعت گرفته‌اند، وظیفه حسابداری فراهم کردن اطلاعات مفید برای

استفاده‌کنندگان و تصمیم‌گیران مالی است. زبان تجارت، ایدئولوژی، و کالا هم تعاریف دیگری هستند که هریک از منظر خاصی به حسابداری می‌نگرند.

❑ / با در نظر گرفتن شرایط کنونی ایران، تعریف حسابداری چیست؟

❑ با توجه به وضعیت اقتصادی ایران و در نظر داشتن اقتصاد دولتی، اندازه بورس، و روابط مالکیت و مدیریت، من گمان می‌کنم که تعریف مناسب حسابداری برای اوضاع و احوال ایران همان تعریف اول باشد و البته بعدها با تغییر شرایط این تعریف عوض خواهد شد.

❑ / حسابداری چقدر برای یک بنگاه اقتصادی لازم است؟

❑ پاسخ سوال شما بستگی به این دارد که بنگاه اقتصادی چگونه تعریف شود. یک غرفه کفاشی، یک بقالی، و شرکتی مثل ایران خودرو همه بنگاه اقتصادی

هستند. در مورد اول می‌شود گفت که حسابداری به شکل امروزی لازم نیست، ولی مورد آخری به دلایل متعدد حتماً به حسابداری نیاز دارد. ضعف حافظه انسانی، گستردگی و پیچیدگی فعالیت، الزامات قانونی مختلف، و فشارهای سیاسی از دلایل لزوم استفاده از حسابداری هستند. برای مثال، در ایران شرکت‌های سهامی خاص بنگاه اقتصادی هستند که ثبت قانونی می‌شوند و بنا به قانون، ملزم به داشتن حسابداری هستند. اگر در این حد بخواهم پاسخ دهم، در این

اگر وزارت دارایی به دنبال بهبود روند

تشخیص و دریافت مالیات است، به

حسابرسی صورت‌های مالی نیاز ندارد، بلکه

نیازمند ممیزی یا حسابرسی مالیاتی است، و

هزینه‌اش را هم باید خودش بپردازد.

صورت باز هم نیاز به حسابداری خیلی کم است. درواقع، صاحبان این شرکت‌ها مستقیماً درگیر کار هستند و بیشتر نیازشان به حسابداری برای ثبت فعالیت‌ها است نه برای تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری. معمولاً کسانی که خودشان دست به کار تجارت می‌شوند، شم اقتصادی خوبی دارند و بدون اطلاعات حسابداری خیلی سریع تشخیص می‌دهند. آنها حسابداری را می‌خواهند برای ثبت فعالیت‌هایی که انجام داده‌اند، تا الزامات قانونی را رعایت کرده باشند.

در ایران، الزامات تهیه اطلاعات حسابداری از سوی سازمان حسابرسی و جامعه حسابداران رسمی دیکته شده و گردانندگان بورس نقش مؤثری در آن نداشته‌اند.

■ / حسابداری مدیریت چیست و چه نقشی دارد؟ آیا باز هم همان وظیفه ثبت را به عهده دارد؟

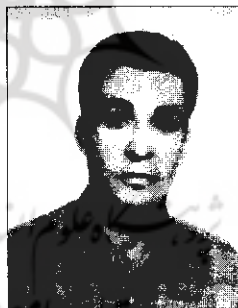
□ اگر بخواهیم حسابداری مدیریت را تعریف کنیم، می‌گوییم آن شاخه‌ای از حسابداری است که هدفش کمک‌کردن به مدیر در راستای انجام وظایفش است. وظایف مدیر را می‌توان در سه کلمه خلاصه کرد: برنامه‌ریزی، سازماندهی و کنترل. در مرحله برنامه‌ریزی، مدیران یا مالکان اینگونه شرکت‌ها، بیشتر به این نگاه می‌کنند که بازار چه می‌خواهد؟ آنها براساس بازار و مشتری جلو می‌روند. اطلاعات مربوط به بازار و اطلاعات مربوط به مشتریان را جمع‌آوری می‌کنند و بعد براساس آن نیازها تصمیم‌گیری می‌کنند که سمت‌وسوی شرکت را چگونه قرار دهند. در اینجا اطلاعات حسابداری خیلی کم به کار می‌آید و بیشتر اطلاعاتی که کارشناسان بازاریابی، اقتصاد و آمار تهیه می‌کنند، به کار می‌آید. البته حسابداری مدیریت یا حسابداران مدیریت در اینجا هم می‌توانند کمک کنند، ولی کمکشان بیشتر از دیگران نخواهد بود و مثل سایر کارشناسان شرکت هستند.

■ / یعنی حسابداری در راه‌اندازی یک خط تولید جدید یا در کنترل تولید نقشی ندارد؟

□ نقش دارد، اما نقشش برجسته‌تر از نقش دیگران نیست. برای ارزیابی تولید یک محصول جدید، باید دید مشتری چه نیازی دارد. بعد از آن که اطمینان

یافتیم که مشتری طالب محصول جدید است و قیمت خوبی را هم برای آن خواهد پرداخت، آن وقت باید دید که تولید محصول به چه امکاناتی نیاز دارد و آن امکانات را چگونه باید تهیه کرد. دست آخر هم باید دید که این محصول جدید را می‌توان با قیمت تمام‌شده کم تولید کرد یا نه؟ پس حسابداران در این فرایند پیش‌تاز نیستند. یک تیم است، که هرکدام براساس وظایف خودشان عمل می‌کنند.

معمولاً روال شرکت‌ها بر این است که فعالیتشان را هر ساله بودجه‌بندی می‌کنند. بودجه‌بندی که وجهی از برنامه‌ریزی است، ابزاری برای کنترل هم هست. در اینجا حسابداران می‌توانند کمک کنند، اما نه به تنهایی. حسابدار وقتی اقدام به بودجه‌ریزی می‌کند، اطلاعات را از خودش خلق نمی‌کند، بلکه اطلاعات را دریافت می‌کند. بودجه‌ریزی از مشتری و کسب بازار شروع می‌شود. پشت سرش برنامه تولید معلوم می‌شود و... به این صورت نیست که تمام کارها را حسابداری انجام دهد. علاوه بر این، فرایند تولید به طرق مختلف کنترل می‌شود. اگر خیلی خوشبینانه نگاه کنیم، کنترل‌های حسابداری چک مضاعف کنترل‌ولرهای تولید است.



▶ دکتر تالانه، این قانون هم حقوق مالکیت و هم عدالت اجتماعی را نقض می‌کند.

■ / این گفته شما چنین معنی می‌دهد که از حسابداری به‌جز ثبت کار دیگری ساخته نیست؟

□ در این شرکت‌ها خیر. ببینید من می‌توانم شرکت ایران خودرو را مثال بزنم که علاوه بر این که الزام قانونی دارد، سهامی عام هم هست و الزام بورس را هم دارد. اینها با هم فرق دارند. حالا شرکتی مثل ایران خودرو فشارهای مختلفی دارد؛ فشار الزام قانونی از لحاظ قانون تجارت و قوانین مالیاتی را دارد، چون شرکت ثبتی است، فشار سهامدار را دارد، چون سهامی عام است، فشار بورس را دارد، چون در بورس پذیرفته شده است. این شرکت حتماً حسابداری لازم دارد. حتی

اگر الزام قانونی را حذف کنیم، الزام بورس را دارد، حتی اگر الزام بورس را برداریم، فشار سهامدار را دارد. شرکت‌های بورسی الزامات زیادی برای استفاده از حسابداری دارند.

■ / به الزامات قانون تجارت و مالیات‌ها اشاره کردید. آیا مورد دیگری هم هست که شرکت‌ها را مجبور به استفاده از حسابداری کند؟

□ تعریف شرکت در قانون مدنی ایران چنین است: اجتماع حقوق مالکان متعدد در شیئی واحد به نحو اشاعه، ولی قانون مدنی نمی‌گوید شرکت را در اداره ثبت شرکت‌ها ثبت کنید. اگر شرکت را ثبت کردید، الزام دارید، و اگر در بورس بردید، الزام بورس را هم دارید. اما اخیراً بعد از تشکیل جامعه حسابداران رسمی، شرکت‌ها مکلف به استفاده از حسابرس هم شده‌اند. وقتی که یک شرکت مکلف به حسابرسی صورت‌های مالی است، پیش از آن باید مکلف به تهیه صورت‌های مالی باشد. در آیین‌نامه‌ای که مربوط به جامعه حسابداران رسمی است، نوشته شده است: کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مکلفند از خدمات حسابرسی حسابداران رسمی استفاده کنند. جالب است بدانید که اشخاص حقیقی هم که فعالیت انتفاعی دارند، اگر ۱۶ میلیارد ریال دارایی و هشت میلیارد ریال درآمد و بیشتر داشته باشند، مکلفند توسط اعضای جامعه حسابرسی شوند. پس باید ابتدا صورت‌های مالی را تهیه کنند. یکی از اشکالاتی که قانون استفاده از خدمات حسابداران رسمی دارد، این است که همه را مکلف کرده و همه را درگیر می‌کند. حسابرسی حق صاحب مال است، ما نمی‌توانیم این حق را از صاحب مال بگیریم و همه اشخاص حقیقی و حقوقی را مکلف به استفاده از خدمات حسابرسان کنیم. این نوع حسابرسی یک الزام اضافی است که هیچ کمکی هم به استفاده‌کننده صورت‌های مالی نمی‌کند. پس حسابرسی این شرکت‌ها هیچ کمکی به کسی نمی‌کند، الا به حسابرس‌ها که درواقع، منبع درآمدی است برای حسابرس‌ها. و متأسفانه این درآمد حسابداران رسمی از جیب صاحب مال تامین می‌شود.

مطابق تئوری‌های جدید، شرکت‌ها حتی اگر الزام قانونی هم نداشته باشند، خودشان به صورت داوطلبانه اطلاعات خودشان را منتشر می‌کنند.

این قانون هم حقوق مالکیت و هم عدالت اجتماعی را نقض می‌کند.

❖ / فکر نمی‌کنید که این کار را برای شفاف‌شدن وضعیت مالیاتی کرده باشند؟

□ شاید، اما کار درستی نیست. تشخیص و جمع‌آوری مالیات راهکار دیگری دارد. اگر وزارت دارایی به دنبال این است که تشخیص مالیات و مالیات‌ستانی را بهتر انجام دهد، نیاز به حسابرسی صورت‌های مالی ندارد، نیاز به ممیزی یا حسابرسی مالیاتی دارد. نمی‌توان از حسابرسی صورت‌های مالی به جای حسابرسی مالیاتی استفاده کرد. حسابرسی مالیاتی تعریفش چیز دیگری است و هدف دیگری هم دارد و هزینه‌اش را هم وزارت دارایی باید بدهد. با قانون فعلی همه چیز بر سر شرکت‌ها خراب شده: وزارت دارایی صرفه‌جویی در هزینه می‌کند و حسابرس درآمد کسب می‌کند، اما صاحب مال یا صاحب شرکت هزینه را می‌پردازد. هزینه را هم برای کاری می‌پردازد که خودش درخواست‌کننده آن نبوده است! جالب است بدانید که چیزی با عنوان حسابرسی در قانون تجارت نداریم. حسابرسی حق صاحب مالی است که اداره مال خود را به مدیر می‌سپارد، بنابراین، قانون استفاده از خدمات تخصصی حسابداران رسمی در حوزه شرکت‌های بخش خصوصی، حقوق مالکیت را نقض کرده است. در مورد شرکت‌های بورسی هم باید اضافه کنم که یکی از دلایل انجام حسابرسی صورت‌های مالی در شرکت‌های بورسی، پایین آوردن ریسک اطلاعاتی است. ریسک اطلاعاتی برای چه کسانی؟ برای معامله‌گران سهام در بورس. وزارت دارایی جزو معامله‌گران در بورس نیست.

حسابرسی حق صاحب مال است، ما نمی‌توانیم این حق را از صاحب مال بگیریم و همه اشخاص حقیقی و حقوقی را مکلف به استفاده از خدمات حسابرسان کنیم.

❖ / آیا اطلاعات حسابداری در بورس می‌تواند مفید باشد؟

□ تا قبل از دهه ۱۹۶۰ حسابداران فکر می‌کردند که گزارش‌های حسابداری حاوی اطلاعاتی است که این اطلاعات می‌تواند برای تصمیم‌گیری معامله‌گران سهام در بورس مفید باشد. منطق هم این را تأیید

می‌کرد، یعنی منطقاً و قیاسی چنین نتیجه‌گیری می‌کردند که گزارش‌های حسابداری حاوی اطلاعات مهمی است. چند سال بعد دو نفر به نام‌های "بال" و "براون" در آمریکا تحقیقاتی را انجام دادند پیرامون محتوای اطلاعاتی گزارش‌های حسابداری که در بورس منتشر می‌شد. آنها به این نتیجه رسیدند که اطلاعات حسابداری در تعدیل قیمت‌های اوراق منتشره در بورس چیزی حدود پنج درصد مشارکت دارد و حدود ۹۵ درصد تغییر قیمت‌های بورس متأثر از منابع اطلاعاتی دیگری است. حالا شما از این مطلب نتیجه بگیرید که اطلاعات حسابداری چقدر می‌تواند در تصمیم‌گیری معامله‌گران مشارکت داشته باشد: خیلی کم.

بعد از تشکیل جامعه حسابداران رسمی، شرکت‌ها مکلف به استفاده از حسابرس هم شده‌اند.

گزارش‌ها از اطلاعات آنها باخبر بوده‌اند و زودتر اقدام خودشان را کرده‌اند.

❖ / حالا که تأثیر اطلاعات حسابداری اینقدر کم است، پس چرا شرکت‌ها اینگونه اطلاعات را منتشر می‌کنند؟

□ دلایل متعددی دارد: دلیل اولش این است که الزام مقرراتی وجود دارد؛ دلیل دیگر وجود فشار سیستماتیک در بازار است. معمولاً گردانندگان بورس



▲ تهیه صورت‌های مالی مطلوب برعهده حسابداران و حسابرسان است.

این الزامات برای افشای اطلاعات را تعیین می‌کنند. البته در ایران، الزامات تهیه اطلاعات حسابداری از سوی سازمان حسابرسی و جامعه حسابداران رسمی دیکته شده و گردانندگان بورس نقش مؤثری در آن نداشته‌اند.

❖ / چرا گردانندگان بورس الزامات اطلاعاتی وضع می‌کنند؟

دلیل این امر هم واضح است: صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه، اطلاعات گذشته را به ما می‌دهند، یعنی شرکت در گذشته، پروژه‌ای را تصویب کرده، تامین مالی انجام داده است، پروژه را اجرا کرده و محصول را فروخته است، و حالا حاصل را در قالب گزارش‌های مالی اعلام می‌کند، تازه با چهار ماه تأخیر، در حالی که بسیاری از معامله‌گران قبل از انتشار

□ بورس اوراق بهادار قبل از این که بورس اوراق بهادار باشد، باید بورس اطلاعات باشد. از آنجا که در بورس منافع عامه مردم درگیر می‌شود، لذا گردانندگان بورس نگران توزیع نامتقارن اطلاعات در بورس هستند و از این رو، سعی دارند تا با وضع مقررات، توزیع اطلاعات را عادلانه کنند، یعنی باید هر نوع اطلاعاتی را که گمان می‌رود به کار معامله‌گران در بورس می‌آید، در بورس منتشر کرد. اگر یک منبع اطلاعاتی را حذف کنیم، در واقع، فضای رقابت را حذف کرده‌ایم. در بازار اطلاعات هر منبع اطلاعاتی که وجود دارد، باید منتشر شود و در بازار مشارکت کند، ولو این که مشارکتش کم باشد. البته چون اطلاعات یک کالای عمومی محسوب می‌شود، لذا به دلیل وجود پدیده مفت‌سواری، ممکن است که نتیجه وضع مقررات افشا به تراکم اطلاعات منتهی شود و در نتیجه، منافع اجتماعی آن از هزینه‌های اجتماعی آن کمتر شود.

معامله‌گران بازار بورس تهران برای یافتن اطلاعات مفید چه باید بکنند؟

دلیل دیگر آن وجود فشار سیستماتیک برای افشای اطلاعات است. در بازارهایی که خیلی کارا هستند، یک پدیده روانی به وجود می‌آید: در بازارهای کارا شرکت‌هایی که گزارش منتشر نمی‌کنند، متهم می‌شوند به بدی عملیات. به عبارت دیگر، تئوری‌های جدید می‌گویند که شرکت‌ها خودشان به صورت داوطلبانه - حتی اگر الزام قانونی هم نداشته باشند - گزارش می‌دهند. توجیه آن هم خیلی ساده است: اگر شرکتی مدیرانش خوب کار کرده باشند، مثل دانش‌آموزی است که نمره ۲۰ گرفته است و بلافاصله به پدرش می‌گوید: من ۲۰ گرفتم. مدیری که خوب کار کرده باشد، بلافاصله گزارش می‌دهد و از طریق صورت‌های مالی جار می‌زند که "من خوب کار کرده‌ام، مرا تشویق کنید." تشویقش چیست؟ بالا رفتن قیمت سهام. البته در پایان سال به آن مدیر پاداش خوبی هم می‌دهند. شرکتی هم که بد کار کرده است، مثل شاگردی است که نمره بد گرفته است. اصلاً جرات نمی‌کند که با پدرش صحبت کند. پس در بازار کار اگر شرکتی گزارش‌های مالی خود را منتشر نکند، استفاده‌کنندگان از بازار و معامله‌کنندگان بازار او را

متهم می‌کنند که لایه کارنامه‌اش خراب است که چیزی نمی‌گوید. لایه خوب کار نکرده است. پس ببینید در یک بازار رقابتی، فشار سیستماتیک وجود دارد که شرکت‌ها را هل می‌دهد به این سمت که خودشان داوطلبانه گزارش دهند. البته بورس تهران هنوز راه زیادی تا رسیدن به کارایی دارد و این فشار سیستماتیک در بورس تهران خیلی وجود ندارد.

□ / پس الزام و فشار برای انتشار اطلاعات حسابداری در بازار هست، اما مخاطب ندارد. برای مفیدتر شدن محتوای گزارش‌های حسابداری چه راهکاری وجود دارد؟

□ استفاده‌کنندگان به دنبال چه اطلاعاتی هستند؟ خیلی از استفاده‌کنندگان اطلاعات محرمانه می‌خواهند و اطلاعات کلان را بیشتر از اطلاعات خرد قبول دارند. من استفاده‌کننده اگر بدانم که امروز برای نرخ ارز چه تصمیمی گرفته می‌شود، بیشتر به دردم می‌خورد تا این که بدانم هزینه‌های عملیاتی شرکت یا نسبت نقدینگی آن چقدر است. استفاده‌کننده به دنبال اطلاعات است. یادمان نرود که آنها استفاده‌کننده اطلاعات دیگری هم هستند؛ خواننده روزنامه هستند، شنونده رادیو و بیننده تلویزیون هم هستند و مثلاً ممکن است که گوش‌په‌زنگ باشند که نتیجه مذاکرات با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چه می‌شود. اما در عوض ما حسابداران چه کرده‌ایم که اینها اطلاعات ما را خوب نمی‌خواهند؟ جوابش ساده است: برای حسابداری کارکردی را تعریف کرده‌ایم که ثبت وقایع گذشته است. اطلاعات بیات را در صورت‌های مالی گزارش می‌کنیم. برای بازار بورس فعالیت‌های گذشته شرکت را در قالب صورت‌های مالی گزارش می‌دهیم. صورت‌های مالی ابزار اطلاع‌رسانی به مالک است نه معامله‌گران بورس. به طور سنتی، ریشه پیدایش حسابداری مالی برای اطلاع‌رسانی به مالکان بوده نه برای استفاده در بورس. فکر می‌کنم که برای اطلاع‌رسانی به معامله‌گران در بورس باید از این چارچوب سنتی خارج شد و چارچوب دیگری را تعریف کرد.

□ / یعنی اگر روزی روش بهتری پیدا شود، این شکل‌گزارشگری حسابداری منسوخ خواهد شد؟
□ حتماً همینطور است. گزارش‌های حسابداری بنا به فرض تفکیک شخصیت، اطلاعات مربوط به فعالیت‌های گذشته شرکت را گزارش می‌کنند، در حالی که در روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون اطلاعات خوبی پیدا

می‌شود که برای تصمیمات معامله‌گران بازار مفید است. آیا حسابداران می‌توانند اخبار سیاسی یا مصوبات دولت را هم در گزارش‌های خود لحاظ کنند؟ آیا می‌توانند نتیجه مذاکرات آژانس را پیش‌بینی کنند و گزارش دهند؟ عرف کنونی حسابداری فعلاً چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد.

□ / کار بورس در این میانه چیست و بورس برای بهتر شدن کیفیت اطلاعات چه باید بکند؟

□ بورس به طور خلاصه چند کار را برعهده دارد: تحقیق درباره تعیین نیازهای اطلاعاتی معامله‌گران، ملزم کردن شرکت‌ها به افشای اطلاعات با در نظر داشتن مصالح شرکت‌ها، تامین سایر اطلاعات موردنیاز معامله‌گران، تامین سازوکار معاملاتی مناسب و عادلانه، و نظارت بر انجام معاملات در چارچوب قوانین عادلانه.

□ / معامله‌گران بازار بورس تهران برای یافتن اطلاعات مفید چه باید بکنند؟

□ تهیه اطلاعات هزینه دارد و ممکن است که برای معامله‌گران انفرادی مقرون به صرفه نباشد. معمولاً تحلیلگران یا شرکت‌های خدماتی در این راستا اطلاعات را تهیه می‌کنند و کارمدیریت سرمایه‌گذاری افراد را عهده‌دار می‌شوند. اما اگر افراد بخواهند خودشان مستقیماً به معامله بپردازند، بهترین منبع خبری آنان، غیر از منابع محرمانه، نشریات اقتصادی است. بورس هم می‌تواند اطلاعات مفیدی از شرکت‌ها و معاملات آنها را به طرق مختلف عرضه کند، اما در این زمینه کار چشمگیری انجام نشده است. سایت اینترنتی خبرگزاری‌ها هم اطلاعات خوبی می‌دهند، اما همه به آنها دسترسی ندارند.

□ / با تشکر از وقتی که در اختیارمان گذاشتید. من هم از شما تشکر می‌کنم و موفقیت شما و همکارانتان را خواهم.

برگزارکننده مصاحبه: محمد گودرزی